

مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

مرتضی نورمحمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۲/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و ششم - بهار ۱۳۹۴

چکیده

از مهم‌ترین عناصر تحلیلی مفهوم امنیت در هر مکتب امنیتی، مرجع امنیت است که در پاسخ به سوال امنیت برای چه کسی یا برای چه چیزی شکل می‌گیرد. ضرورت مرجع امنیت از آن جهت است که در غیاب آن نه مسأله‌های امنیتی (تهدیدها) می‌تواند مطرح باشد و نه اهداف و غایات امنیتی موضوعیت پیدا می‌کند. مرجع امنیت مانند مفهوم امنیت، محل اختلاف و مناقشه است و امنیت‌پژوهان براساس فلسفه آگاهی، به‌ویژه مسائل مرتبط با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، مرجع یا مراجع خاصی انتخاب کرده‌اند. بر همین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که مرجع یا مراجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران کدام اند و چه رابطه‌ای میان این مراجع وجود دارد. فرضیه پژوهش این است که مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی چندبعدی و ترکیبی است و مشتمل بر اولویت‌بندی نظام، اسلام و جامعه است و در عین حال، رابطه‌ای تعاملی میان آنها وجود دارد. برای تبیین فرضیه پژوهش، از اسناد بالادستی مانند: قانون اساسی، سند چشم‌انداز توسعه در افق ۱۴۰۴ و بیانات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بهره خواهیم جست. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی - کاربردی است و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد.

واژگان کلیدی

مرجع امنیت، ایران، قدرت ملی، مکتب امنیتی، اسلام



مقدمه

امنیت اساسی‌ترین نیاز جامعه انسانی و مهم‌ترین کارویژه دولت‌ها به شمار می‌آید و یکی از ضرورت‌هایی بود که افراد انسانی را در قالب یک واحد سیاسی به نام دولت گرد هم آورد اما با تشکیل دولت‌های ملی و تجمع و متمرکز شدن قدرت‌های پراکنده، که به بیان هابز برای خروج افراد از وضع طبیعی بود، عمده تلاش‌ها در جهت ایمن‌سازی و مصون‌سازی دولت‌ها سوق پیدا کرد. نظریه‌پردازی‌ها تا دهه ۱۹۸۰ نیز متمرکز بر تأمین امنیت دولت‌ها و رفع تهدیدهای متوجه آن بود. به‌رغم محوریت امنیت در کنش‌های واحدهای سیاسی و نظام بین‌الملل، اجماع نظری درباره مفهوم امنیت وجود ندارد و شاید بتوان گفت یکی از چالش‌برانگیزترین و مناقشه‌آمیزترین مفاهیمی است که در روند تکاملی دانش روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، تعاریف و ابعاد نوینی از آن برجسته شده است.

یکی از پرسش‌های کلیدی در بررسی امنیت، مرجع^۱ امنیت است که در پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی یا برای چه چیزی شکل می‌گیرد. ضرورت طرح مرجع امنیت برای آن است که در غیاب آن نه مسأله‌های امنیتی (تهدیدها) می‌تواند مطرح باشد و نه اهداف و غایات امنیتی موضوعیت پیدا می‌کند. مرجع امنیت مانند مفهوم امنیت، محل اختلاف و مناقشه است و امنیت‌پژوهان براساس فلسفه آگاهی، به‌ویژه مسائل مرتبط با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، مرجع یا مراجع خاصی را انتخاب کرده‌اند. در نتیجه، مرجع امنیت در مکاتب و رویکردهای نظری در حوزه مطالعات امنیتی پیرامون مفاهیمی هم‌چون فرد، رژیم، جامعه، دولت و جامعه جهانی می‌چرخد. علاوه بر این، ساختار محیطی و به‌ویژه عناصر فرهنگی و نهادی در هر کشوری، الزاماتی را برای مکتب امنیتی دارد و مکتب امنیتی در محیط‌های متفاوت دولت‌ها معانی مختلفی پیدا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و برخوردار از ساختار محیطی (به‌ویژه عناصر نهادی و فرهنگی) متمایزی با سایر واحدهای عضو نظام بین‌الملل است. این تفاوت ایجاد می‌کند که جمهوری اسلامی ایران مکتب امنیتی مبتنی بر اقتضانات و نظام ارزشی و هنجاری خود داشته باشد و بر مبنای آن، چیستی امنیت، مرجع امنیت، مسأله‌های امنیتی و راهبردهای امنیتی معین شود. بر همین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است: مرجع یا مراجع امنیت



در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران کدامند و چه رابطه‌ای میان این مراجع وجود دارد؟ با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین پرسش‌های کلیدی در مطالعات امنیتی، مرجع امنیت است، ادبیاتی بسیار غنی در حوزه نظریه‌پردازی وجود دارد؛ مانند: «دولت‌محوری» مرجع امنیت در رویکرد واقع‌گرایان (مورگنتا، ۱۳۸۴؛ والتز، ۱۳۹۳)، «فرد» به عنوان مرجع امنیت در لیبرالیسم، تأکید نظریه‌پردازان انتقادی مانند کن بوث بر مفهوم رهایی و قرار دادن «انسان» به عنوان مرجع امنیت (Smith, 2006:44)، تأکید مکتب کپنهاگ بر «دولت و جامعه» (بوزان، ویور و دوویدل، ۱۳۸۶ : ۶۸ - ۵۴) و «رژیم سیاسی» در مطالعات امنیتی جهان سوم (آذر و این مون، ۱۳۸۳). در ادبیات فارسی، آثاری نیز وجود دارد که تلاش کرده‌اند مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران را از منظرهای متفاوت بررسی کنند. پورسعید در مقاله‌ای با نام «مرجع امنیت در کنش‌گفتاری امام خمینی (ره)» با تمرکز بر چارچوب نظری بوزان، معتقد است که در کنش‌گفتاری امام، مرجع امنیت عبارت است: «دولت اسلامی» که از سه عنصر «اسلام مکتبی» به عنوان ایده دولت اسلامی، «ولایت فقیه» به مثابه نمود نهادی دولت اسلامی و «مردم» به مثابه پایگاه اجتماعی یا عینی دولت اسلامی تشکیل شده است و این سه در روابط متقابل با یکدیگر قرار دارند (پورسعید، ۱۳۸۹). «شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)»، عنوان پژوهش دیگری است که استدلال می‌کند در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)، مرجع امنیت، جامعه‌محور است؛ زیرا به نظر امام (ره)، بدون رضایت‌مندی مردم و پشتیبانی آنان از حکومت و دولت، ارکان امنیت ملی ناپایدارند (کریمی مله، ۱۳۸۴). بهتاش در پایان‌نامه خود با نام «مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران براساس دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، با طرح این فرضیه که دین و ارزش‌های دینی، نقش اساسی را در تعیین مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند، می‌گیرد که در دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، «اسلام» مرجع امنیت فرهنگی، حکومت اسلامی و در مرتبه‌ای بالاتر «ولایت فقیه» مرجع امنیت سیاسی و «مردم»، مرجع امنیت اجتماعی هستند (بهتاش، ۱۳۸۹). فرضیه پژوهش این است که مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی چندبعدی و ترکیبی است و مشتمل بر اولویت‌بندی نظام، اسلام و جامعه است و در عین حال، رابطه‌ای تعاملی میان آنها وجود دارد. برای تبیین فرضیه پژوهش،



از اسناد بالادستی مانند: قانون اساسی، سند چشم‌انداز توسعه در افق ۱۴۰۴ و بیانات حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری بهره خواهیم جست.

چارچوب نظری

ویژگی سهل و ممتنع بودن مفهوم امنیت، موجب شده است تا محققان حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی به فراخور مبانی فکری و نظری خود، به یک بعد آن توجه ویژه مبذول دارند و از سایر وجوه، انواع و ابعاد امنیت غافل شوند (Wrong, 1994: 202-204). این گستردگی، در سه‌گونه اصلی قابل شناسایی است: اول اینکه مفهوم امنیت از امنیت دولت‌ها به امنیت گروه‌ها و افراد توسعه یافته است. این روند انتقالی رو به پایین از دولت‌ها به افراد است. دوم، مفهوم امنیت از امنیت دولت‌ها به امنیت نظام بین‌الملل و یا محیط مادی مافوق ملت‌ها تغییر کرده است. این توسعه‌ای روبه بالا از ملت‌ها به سمت زیست کره است. این گستردگی در هر دو مورد، متضمن توسعه انواعی از نهادهاست که تضمین‌کننده امنیت هستند. در مورد سوم، مفهوم امنیت به شیوه‌ای افقی و یا گونه‌ای از امنیت متنوع گسترش یافته است.

به دلیل فضای جنگ سرد و تسلط رویکرد واقع‌گرایی، تحلیل‌های امنیتی تا اواسط دهه ۱۹۸۰، عمدتاً بر دولت‌ها و ماهیت نظامی و خارجی تهدیدها متمرکز بود و تأثیرگذاری پوی‌های داخلی یک کشور بر تعریف مقوله امنیت کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. هرچند پس از تلاش‌های ریچارد اولمان و بری بوزان امنیت از زندان نظامی‌گری و دولت‌محوری رها شد، اما با تشدید روند جهانی شدن از دهه ۱۹۹۰، پوی‌های درونی امنیت ملی کشورها در عرصه نظری چندان جدی گرفته نشد. در دوران اخیر، اندیشمندان با توجه به ظهور تهدیدهای گوناگون و گسترش نگرش جامعه بنیادمحور در تعریف امنیت و امنیت ملی، به تمرکز بر مطالعات امنیتی گرایش دارند (Croft and Terrif, 2000). با وجود این، هنوز در بررسی فرایند تاریخی تحول تعریف امنیت، بر نقش دولت به‌عنوان کنشگر اصلی تحولات، چه به مثابه ابزار جامعه و چه کنشگر مستقل از اجتماع، تمرکز می‌شود (Mabee, 2002: 135).

در شرایط کنونی، دولت کنشگری کاملاً مستقل و جدا از جامعه نیست که بتواند صرفاً بقای خود را امنیت ملی جلوه دهد، بلکه باید به نظرهای موجود در جامعه نیز



توجه کند؛ اما فرایند تاریخی این تغییر نقش دولت، و به دنبال آن تعریف امنیت ملی همچنان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (Bretherton, 1996: 139). این امر به گسترش شیوه تحلیلی جامعه‌شناسی تاریخی برای فهم این فرایند تغییر منجر می‌شود. تعریف امنیت ملی مانند قبل در سایه تعارض داخل - خارج، دیگر منطقی نیست؛ بلکه این دو به هم پیوسته‌اند.

مقوله امنیت، متأثر از رابطه‌ای دوسویه و دوسطحی است: در یک سطح، دولت‌ها از محیط داخلی در تعریف امنیت اثر می‌پذیرند و در عین حال، بر آن تأثیر می‌گذارند و در سطحی دیگر، خود دولت‌ها محیط داخلی نظام بین‌المللی‌اند و در حالت تأثیر و تأثر با آن قرار دارند (Deudney, 1995: 95). نتیجه عملی این نگرش، آن است که دولت‌ها بدون ارجاع به جامعه‌های داخلی خود در عصر جهانی شدن و گسترش مردم‌سالاری، نمی‌توانند تعریف خودمحورانه و ثابتی از امنیت ملی داشته باشند. هم‌چنین به دنبال تغییر در ذهنیت و کنش‌های محیط داخلی، تعریف امنیت ملی نیز دگرگون می‌شود. روابط بین دولت و محیط آنها یعنی محیط فرهنگی و نهادی، از نوع دوسویه است. این دو هم شامل تأثیر محیط فرهنگی در شکل و نوع سیاست‌های امنیتی دولت است و هم تأثیر دولت بر بازتولید، بازسازی فرهنگی و حتی شکل‌دهی به عناصر فرهنگی جدید را دربرمی‌گیرد.

محیط فرهنگی و نهادی نه تنها در شکل انواع مختلف رفتار دولت تأثیرگذار است؛ بلکه تعیین‌کننده سرشت اصلی دولت‌ها یعنی هویت آنها نیز هست (چپرسن، ونت و کتزشتاین، ۱۳۹۰: ۶۴). تأثیرهای محیط فرهنگی بر مقوله امنیت ملی به شرح زیر است: الف) - عناصر فرهنگی محیط دولت‌ها، به منافع امنیت ملی و سیاست‌های امنیتی دولت‌ها شکل می‌دهند. هنجارها انتظارات جمعی از یک هویت برای انجام رفتار مناسب هستند. در برخی موارد هنجارها، تأثیرات قوام‌بخش دارند و یک هویت را تعریف می‌کنند و در مواردی دیگر معیارهایی برای تنظیم رفتار هستند (چپرسن، ونت و کتزشتاین، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۷).

ب) - عناصر فرهنگی و یا نهادی محیط دولت‌ها، به هویت دولت شکل می‌دهند. ساختارهای نهادی و فرهنگی می‌توانند به هویت‌های اساسی دولت‌ها و یا امنیت ملی قوام بخشند (چپرسن، ونت و کتزشتاین، ۱۳۹۰: ۹۳).



ج)- دگرگونی و تفاوت در هویت دولت بر منافع و سیاست‌های امنیت ملی دولت‌ها تأثیر می‌نهد. هویت‌ها هم منافع را ایجاد می‌کنند و هم به آنها شکل می‌دهند. برخی منافع مانند بقا، کم و بیش عام‌اند و خارج از هویت‌های اجتماعی خاص وجود دارند. اما بسیاری از منافع امنیت ملی به یک برسازي خاص از هویت شخصی در ارتباط با هویت تصور شده بستگی دارند (چپرسن، ونت و کترنشتاین، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۵).

زمینه جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که گفته شد، امنیت مقوله‌ای «زمینه‌وند» است، یعنی آرمان‌ها، ارزش‌ها، سنخیت و کم و کیف درون یک اجتماع بشری در شکل‌گیری و ویژگی مفهوم امنیت تأثیر بسزایی دارد. تعریف امنیت، مرجع امنیتی، مسأله‌های امنیتی و سیاست‌گذاری امنیتی عملی است که در محیط اجتماعی هر جامعه با هویت خاص انجام می‌گیرد. از این نظر، توجه به شرایط و مقتضیات و به‌ویژه مبانی اسلامی جمهوری اسلامی ایران ضروری است.

انقلاب اسلامی با تکیه بر ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی با هدف استقرار و سیطره قوانین و موازین الهی در کلیه شئون حیات فردی و اجتماعی مردم ایران رخ داد. پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی(ره)، جوهر سیاست و به شکل اولی منطق امنیتی را تغییر داد. ایده جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام همچون سایر نظام‌ها و البته با ویژگی خاص خود از جمله ابتدا بر مبانی و منابع اسلامی و دارای آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های گوناگونی است که آن را با مسائل و موضوعات گوناگون مرتبط ساخته است (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۸). بنابراین، وقوع انقلاب اسلامی منادی گفتمان جدیدی بود که بر گزاره‌های متفاوتی مبتنی بر پیوند جامعه و حکومت، اسلام، ایران، دین و سیاست تأکید می‌کرد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۶-۶۷). در گفتمان جمهوری اسلامی ایران اسلام دال برتر به‌شمار می‌رود که با توجه به آن، نظامی توحیدمحور است که مرکز ثقل و پایه اصلی ارزش‌ها و آرمان‌های این نظام، «اسلام» به معنای مکتب است. مکتب در این تلقی نوعی صورت‌بندی بینشی است که پشتوانه نظری و ایدئولوژیک تأسیس حکومت و تأمین و شیوه توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین می‌کند. ستون و مبنای فهم رفتار سیاسی و امنیتی در جو منافذ یکی

اسلام قابل ترسیم است. این نظام با همین اصول اسلامی - توحیدی سعی در ارائه سیاست در راستای آرمان‌ها و ارزش‌ها به صورت رسالت‌گرا و متعهدانه دارد (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از این منظر، اسلام به عنوان کانون محوری در ساختار قدرت قرار دارد و جمهوری اسلامی ایران با معرفی الگوی حکومت دینی در جهان اسلام، ظرفیت‌های بالای آن را در عرصه سیاست به نمایش گذاشته است. بنابراین، می‌توان مؤلفه‌های هویت‌بخش به جمهوری اسلامی ایران را در سه بخش مورد بررسی قرار داد: تاریخ باستان ایران، فرهنگ ایرانی - اسلامی و ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های اسلامی - انقلابی.

تاریخ باستانی: ایران با سابقه بیش از ۳ هزار سال تمدن درخشان در عرصه تاریخ از پشتوانه غنی فرهنگی و علمی برخوردار است (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۳۳). حکومت‌های متعددی در ایران سال‌ها بر تمام جهان مسلط بوده‌اند. از این‌رو در ناخودآگاه هر ایرانی، بازگشت به آن روزهای درخشان وجود دارد. بنابراین، کشور ایران برخلاف اکثر کشورهای جهان سوم، زاده نظام بین‌الملل نیست و از پشتوانه مستحکمی در این زمینه برخوردار است.

فرهنگ ایرانی - اسلامی: از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به سیاست و تاریخ ایرانیان، مؤلفه فرهنگ بوده است. این امر از آنجایی اهمیت دارد که مردم ایران در طول سال‌ها توانسته‌اند فرهنگ ایرانی - اسلامی خود را در کنار یکدیگر حفظ کرده، الگوی جدیدی به وجود بیاورند. این در حالی است که در سایر کشورها معمولاً غلبه یک دین یا یک فرهنگ به استحاله دیگری منجر می‌شود.

ارزش‌ها و ایدئولوژی اسلامی - انقلابی: براساس اصل اول، «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است. ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب پیروزمند خود...» (جهانگیر منصور، ۱۳۸۶: ۲۵). اصل دوم نیز به نقش وحی الهی، عدل خداوند، امامت و رهبری و بالاخره نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی و سلطه‌گری به‌عنوان پایه‌های نظام اشاره کرده است (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). «فرد هالیدی» معتقد است انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب در تاریخ جدید جهان است که ایدئولوژی حاکم، شکل سازمان، اعضای رهبری‌کننده و هدف‌های اعلام‌شده آن، هم در ظاهر و هم در باطن، مذهبی بوده است (متقی، ۱۳۸۹: ۷۵).

مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

شناخت مرجع امنیت مستلزم توجه به نظام هنجاری و ارزشی است که نه تنها هویت جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌کند، بلکه به منافع ملی و سیاست‌گذاری‌های امنیتی نیز شکل می‌دهد. قانون اساسی را می‌توان تبلور هویت خاص و ایدئولوژی سیاسی دانست. با توجه به بافت و زمینه جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی و بیانات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری تبلور یافته است، سه کانون محوری زیر را می‌توان مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی دانست.

۱. جامعه

حفظ و تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه، در شرایط متغیر و متحول اجتماعی، پیش‌شرط ضروری و خدشه‌ناپذیر بقای نظام است. تحمل و مدارای اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی و در نهایت، نظم اجتماعی پویا در صورتی میسر است که روابطی گرم و کارا در بین اعضای جامعه وجود داشته باشد. امنیت جامعه به معنای برقراری و حفظ شرایطی است که در آن نیل به اهداف و مطلوب‌های اجتماعی، بدون هر نوع تهدید و هراس باشد. دو جزء مهم امنیت، «رهایی از خوف و ترس» است، نکته‌ای که در آیه ۴ سوره قریش بر آن تکیه شده است (امیری، ۱۳۸۷: ۸۰). امنیت جامعه محصول تعامل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی خواهد بود.

امنیت جامعه را در دو سطح خرد و کلان می‌توان مطالعه کرد که سطح خرد آن اشاره به امنیت فرد دارد. امنیت فردی از دو بستر درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. بستر درونی امنیت معطوف به ایمان به خداوند و آگاهی از خویشتن است که از آن با عنوان «امنیت هستی‌شناختی» نیز یاد شده است. بستر بیرونی، معطوف به جهان خارج و فضای اجتماعی و به تعبیری فرهنگ است که با تمرکز بر مجموعه هنجارها، قوانین و درجه تعهد جمعی و فردی به اجرای آنها و نیز توان و امکانات سازمان‌های رسمی و غیررسمی متولی امنیت فراهم می‌شود، تا جامعه قادر به نیل به اهداف و کمال مطلوب‌های اصلی خویش شود که در معنای عام خود، از آن با عنوان «امنیت عمومی» یاد می‌شود. امنیت اجتماعی که در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد، بیانگر پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان امنیت دولت و جامعه است. در تحلیل بعد اجتماعی امنیت ملی، هدف حفظ



ارزش‌های دیرپای اجتماعی است که گروه‌های مختلف در جامعه متولی آن هستند. از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) تمامی آحاد جامعه از حقوق شهروندی و حق تشکیل حکومت برخوردارند و کلیت جمهوری اسلامی و در حقیقت، دولت اسلامی می‌بایست تابع آرای ملت باشد:

«ما بنای این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (صحیفه نور، ج ۳۴: ۱۱). در دیدگاه امام، بقای نظام نیز منوط به حفظ و رعایت حقوق مردم است و نظام بدون مردم نمی‌تواند حیات داشته باشد: «به مجلس، دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمت‌گذاری به آنان خصوصاً مستضعفان، محرومان و ستم‌دیدگانی - که نور چشم ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است - فروگذار نکنید و خود را از مردم و مردم را از خود بدانید» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۱۲). «آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی‌شود» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۴۵۳). «همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت پشتیبان است، هیچ قدرتی توانایی آسیب زدن به این نظام مقدس را ندارد» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۹۱). «هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم اسلام داریم و رضای خدا را داریم همه چیز داریم» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۵۳). جمهوری نظام و اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی در مقدمه قانون اساسی و در اصول ۱۷۷، ۱۰۰ و ۶، ۷، ۵۶، ۵۹ مورد تاکید قرار گرفته است.

علاوه بر این، امنیت جامعه اهمیت کیفی نیز دارد. امنیت جامعه به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی‌اند، یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست دهد، دیگر مایی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام شود. این در حالی است که ضعف اقتصادی، عقب‌ماندگی نظامی، ناکارآمدی سیاسی و فاجعه زیست‌محیطی، به نحوی قابل احیا هستند.

۲. نظام اسلامی

حفظ نظام اسلامی، از اهم واجبات دینی و یکی از اساسی‌ترین موضوعات فقه سیاسی است و اگر زمانی به دلیل موضوعی، میان حفظ نظام اسلامی و حفظ برخی احکام اسلامی نیازمند انتخاب یکی باشیم، به‌طور مسلم، حفظ نظام اسلامی مقدم است.

در سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تعبیرات گوناگونی در این باره آمده است؛ یکی از واجبات مهم اسلام، حفظ نظام جامعه، زندگی و معیشت مردم است. مقصود از حفظ نظام زندگی، رعایت اموری است که اخلال به آنها، امنیت جامعه یا زندگی مردم را دچار اخلال و مشکل می‌کند و چون اسلام می‌خواهد که زندگی اجتماعی مردم، نظام و سامان داشته باشد آن افعال را بر مردم واجب کفایی کرده است (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۲). بر این اساس، آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، حرام و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه لازم است، واجب می‌باشد. از دیدگاه حضرت امام (ره) حفظ نظام واجب و متوقف بر تشکیل حکومت است. ایشان در کتاب ولایت فقیه می‌فرمایند: «بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد ... این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکان است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (ص) و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره نیز ضرورت می‌یابد. بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریان‌ها و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام، تحت نظام عادلانه درمی‌آورد، هرج و مرج ایجاد می‌شود و فساد اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس برای اینکه هرج و مرج و عنان‌گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در کشور جریان می‌یابد» (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۳۰ - ۲۹).

اثبات وجوب تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن از طریق وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال به آن، این نتیجه را در پی خواهد داشت که وجوب تشکیل حکومت و حفظ آن بر همه احکام شرعی مقدم و از اوجب واجبات است؛ زیرا حفظ نظام از اهم واجبات است و هیچ یک از احکام شرعی در مقام تراحم، یارای رودرروی با آن را



ندارند. اگر بین حفظ نظام و سایر احکام شخصی یا اجتماعی تزاخم واقع شود، حفظ نظام مقدم بر آنهاست؛ زیرا حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به ترک آن نیست. از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تزاخم حفظ نظام معیشتی مردم با سایر احکام اسلامی، حفظ نظام را مقدم بدارد.

محدوده اختیارات حکومتی فقیه در اداره جامعه اسلامی، «مصلحت جامعه اسلامی» است که در صورت تزاخم با احکام فرعی اسلام بر آنها مقدم می‌شود. حفظ اساس «اسلام» از حفظ نظام اسلامی بالاتر است و اساساً هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی، اجرای احکام اسلامی، حفظ ثغور کشور اسلامی، اجرای حدود اسلامی و استقرار احکام خداوند و قسط و عدل اسلامی در جامعه است. کارکرد نظام برای حفظ اسلام و اجرای احکام آن و مدیریت جامعه در چارچوب موازین و مقررات اسلامی است. بر این اساس، حفظ اصل اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است و شاید دلیل اینکه امام خمینی (ره) حفظ حکومت را بر تمام واجبات شرعی مقدم می‌دانند، همین نکته باشد. از دیدگاه ایشان: «مسأله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۵۳).

امام خمینی (ره) حفظ ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام را برای حفظ مکتب اسلام ضروری می‌دانستند. ایشان در این باره فرمودند: «اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند.» به همین دلیل، ایشان حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌دانستند، زیرا در صورت حفظ نظام فرصت لازم برای ادای واجبات و معرفی اسلام ناب به جهان فراهم می‌شود، اما در صورت فقدان نظام، به‌طور طبیعی زمینه نابودی کامل یا استحاله قطعی مکتب اسلام ایجاد خواهد شد.

«اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۲۹). در جایی دیگر می‌فرمایند: مسأله حفظ نظام جمهوری



اسلامی در این عصر... از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۰۶). حکومت برای حفظ و بسط مکتب اسلام بنا نهاده شده است و هرگونه تزلزلی در آن موجب ضربه به اسلام و مکتب می‌شود. باور امام (ره) به حفظ جمهوری اسلامی تا آن جاست که تصریح می‌کنند: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر (عج) هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام (صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۶۵).

امام خمینی (ره) دفاع و حمایت از جمهوری اسلامی را واجب عینی برای تمامی مسلمین برمی‌شمارد: «آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی؛ یک واجب عینی است. از نماز اهمیتش بیشتر است، برای اینکه این حفظ نظام اسلام است. نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه است... آن مسلمی که در افریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است (صحیفه نور، ج ۱۹: ۲۷۵).

۳. اسلام

ایده جمهوری اسلامی ایران، یعنی اسلام به مثابه مکتب، تهدیدهایی را متوجه این نظام کرده است؛ زیرا اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با سایر نظام‌های سیاسی دنیا نخواهد داشت. بنابراین، مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ویژگی عقیدتی دارد، زیرا در پی استقرار و گسترش اسلام به مثابه مکتب است و هرگونه مانع در برابر این گسترش و تهدید استقرار آن، معضلی امنیتی به شمار می‌آید. بنابراین، امنیت دارای ویژگی فرهنگی است، به همین دلیل، سبک زندگی مذهبی در جامعه ایرانی، جمهوری اسلامی را مستقر کرده است و به‌طور مسلم، تداوم امنیت و گسترش آن در گرو همین ویژگی و حفظ فرهنگ عمومی است.

تلقی اسلام به مثابه مکتب، سعادت انسان در کل جوامع بشری را مد نظر دارد و آن را در گرو گسترش اسلام مکتبی در سراسر جهان می‌داند. نتیجه این روایت از ایدئولوژی اسلامی، ارائه الگوی نوینی از امنیت بوده که سطح تحلیل آن جهان است (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴: ۴۳). علاوه بر این، از آنجایی که مرکز ثقل امنیت در جمهوری اسلامی ایران، «اسلام» به مثابه مکتبی است که فراگفتمانی و فرائه‌دای است و در همه عرصه‌های زندگی انسان حضور دارد، می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های اساسی مفهوم امنیت در این فضا، جامع‌الابعاد بودن امنیت است، یعنی



تمام شئون مادی و معنوی انسان را دربر می‌گیرد.

در اندیشه امام خمینی (ره)، اسلام و ایمان موضوع امنیت قرار می‌گیرند و تمام عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده جامعه اسلامی باید در جهت تعمیق، حفظ و حراست از آن از هیچ کوششی فروگذار نکنند و همه انسان‌ها باید فدای آن شوند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۱۵). «ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات است. حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۶۷). امام خمینی (ره)، مکتب را عامل قدرت مسلمین می‌داند و از همین‌رو، با هرگونه سستی در موضوعات مرتبط با مکتب، سرسختانه مخالفت می‌کند: «مکتب بزرگ‌ترین چیزی است که برای ما مطرح است، نباید راجع به مکتب یک کلمه‌ای کسی بگوید؛ اشتباه می‌کنند اگر می‌گویند مکتب چطور، تمام مقصد ما مکتب ماست ... اگر مکتب اسلام را حفظ نکنند، مطمئن باشند که هیچ قدرتی به آنها آسیب نمی‌رساند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۷۶).

امام (ره) همواره بر پیروی از اسلام در روش و حرکت در کلیت سیاست تأکید و بر نفی جدایی دین از سیاست تصریح می‌کرد و دین اسلام را در همه شئون سیاست و حکومت مبنا قرار می‌داد: «مسأله‌ای که لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است (صحیفه امام، ج ۲۱: ۶۴).

در جای دیگر می‌فرمایند: الان جمهوری اسلامی، یعنی اسلام (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۱۲). اسلام خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی، قوانین خاص دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (صحیفه نور، ج ۴: ۱۹۷).

امام خمینی (ره) مصداق امنیت را در رویکرد نظری اسلام و در رویکرد اجرایی و عملی جمهوری اسلامی می‌داند و حفظ و مراقبت از آن را مترادف با اسلام معرفی می‌کنند. عبارت «حفظ نظام از اوجب واجبات است» از اینجا معنا می‌یابد و حفظ اسلام در جمهوری اسلامی ایران را از همه تکالیف بالاتر می‌داند:

«اینکه فرموده‌اند فقط حصون اسلام‌ند، یعنی مکلف‌اند اسلام را حفظ کنند و زمینه‌ای فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات است و از واجبات مطلق می‌باشد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۶۷).



اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریح؛ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی... .

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد... .

فلسفه سیاسی اسلام مبنای حکومت در جمهوری اسلامی ایران است و به عنوان یک مکتب دارای مجموعه‌ای از گزاره‌های اصلی و بنیادی، به منزله چارچوبی بر روی تمام نظریه‌ها، رفتارها و سیاست‌های نظام حاکم است. مفهوم «ایمنی» در مکتب اسلام به‌طور ویژه مورد توجه است؛ به‌گونه‌ای که در لایه‌ها و سطوح مختلف اعتقادی و رفتاری از سوی شارع رسول خدا(ص) و ائمه معصومین بدان اشاره شده است. جوهره اسلام بر «سلام» و «ایمنی» قرار دارد، چنان‌که حضرت علی (ع) اسلام را مایه «امان» دانسته که هر کس در آن درآویزد به آرامش و امنیت خواهد رسید. از صفات برجسته الهی «ایمنی‌بخشی» است. پاره‌ای از مفسران در مقام تفسیر آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر آورده‌اند: اینکه در قرآن کریم از نام‌های خدای متعال به سلام یاد شده، دلالت بر آن دارد که خداوند مایه سلامت و «بخشنده ایمنی» است. ایمنی، شاخص راست‌کرداری فرد مسلمان و ویژگی بارز سلامت شبکه ارتباطات در جامعه اسلامی به شمار می‌آید. به‌گونه‌ای که از قول معصوم می‌خوانیم: همانا مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در آرامش و ایمنی باشند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴۵۲ - ۴۲۵).

از آنجایی که اصل توحید نوعی تمرکز برای کل هستی تعریف می‌کند و نوعی وحدت در ورای کلیه تکثرها شناسایی می‌کند که بر مدیریت کلان هستی حاکم است، این امر موجد نوعی «آرامش» و «اطمینان» است که مطابق نظریات جدید و پیش‌رفته امنیتی، جوهره «امنیت واقعی» به شمار می‌آید. به همین دلیل، «ایمان» و «ایمنی» در منطق الهی توأمانند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»: «کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان را به شرک نمی‌آلاینند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت‌یافتگانند.»



بنابراین، دین اسلام پیش‌شرط اساسی سلامت و امنیت اجتماع را اعتقاد به خدا می‌داند. به عبارت دیگر، «امنیت» در بستر گفتمان اسلامی جایگاه و معنایی متفاوت از جایگاه و معنای رایج آن در نظام‌های سیاسی موجود می‌یابد که گستره آن در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان دربرمی‌گیرد. کاربرد واژگانی چون «اطمینان» و «سکینه»، در کنار مفاهیم سخت‌افزاری چون «عدم ترس» و «دفع خطر» دلالت بر آن دارد که امنیت پایدار واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد.

اسلام و حکومت اسلامی، پدیده‌ای الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت، به بالاترین وجه تأمین می‌کند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۰۲).

به نظر می‌رسد دو ارزش «اسلام شیعی» و «ولایت فقیه» با یکدیگر تلازم دارند و از کانونی‌ترین ارزش‌های بنیادین نظام به حساب می‌آیند. در ادبیات فقهی تأسیس ولایت فقیه منبعت از مبانی دینی (جوادی آملی، ۱۳۷۸) و از طرف دیگر، به تخصیص مقدمه قانون اساسی، ولایت فقیه ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی‌شان دانسته شده است (مقدمه قانون اساسی). در عین حال، ولایت فقیه به دلیل انتخاب از طریق خبرگان منتخب مردم (اصل ۱۰۷)، ضامن جمهوریت نظام نیز هست. ولایت فقیه در مقدمه قانون اساسی و در اصول ۱۷۷، ۱۳۰، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۷، ۵۷، ۵ و ۲ مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سه کانون محوری است: الف) جامعه: که پایگاه اجتماعی نظام اسلامی محسوب می‌شود. امنیت جامعه ناظر حفظ و تداوم هویت یک جامعه است. ویژگی مهم هویت در جمهوری اسلامی آن است که اسلام در تمام شئون معرفتی و رفتاری آن نفوذ دارد و در مرکز هویت آن قرار گرفته است. بدون شک، جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومت دینی بیش از دیگران به جنبه‌های ارزشی هویتی خود توجه دارد. امام خمینی (ره) از منظر توحیدی به تعریف و بازتعریف مفاهیم و الگوهای روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انسانی پرداخته و معتقدند: «انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او، یعنی برای رضای او عمل کنند (صحیفه امام، ج ۵: ۳۷۸).

ب) اسلام: اسلام مبنای وجودی و ایده نظام اسلامی است. تلقی مکتب از اسلام به عنوان مکتبی که اندیشه جمهوری - اسلامی ایران منشعب از آن است، اسلامی فراگفتمانی و فرائه‌ادی است، مانند هوایی که جامعه در چارچوب آن نفس می‌کشد. به بیان دیگر، در همه حوزه‌ها و روابط اجتماعی - عقیدتی حضور دارد و دینی اجتماعی به شمار می‌آید. ولی در عین حال، صرفاً چارچوبی برای اداره زندگی نیست، بلکه برنامه‌ای هدفمند برای تحول و به حرکت درآوردن جامعه به سوی مقصد عالی جهان شمول است و آنچه در آن اصالت دارد، مرزهای اعتقادی است، نه جغرافیایی.

ج) نظام: حفظ نظام سیاسی برآمده از حکم و نظر شریعت اسلامی، که ابزاری برای اجرای عدالت و دیگر احکام شرعی است، امری ضروری به شمار می‌آید. اهمیت این ضرورت تا آنجاست که در تزامن با دیگر با مراجع امنیت اولویت با آن است؛ زیرا در نبود یک نظام سیاسی برآمده از اسلام که در یک محدوده جغرافیایی نیز مستقر است، حفظ اسلام و هویت اسلامی جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود.



منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه و گردآوری: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امام خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۹.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۴.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۳.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۴.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵.
- آزر، ادوارد ای و چونگ، این مون (۱۳۷۹)، «بازاندیشی مقوله امنیت ملی در جهان سوم»، در: امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، فصلنامه پژوهش مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۳۱.
- بوزان، بری، ویور، الی و دووید، پاپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۳)، برآیند مشروعیت‌یابی در نظام جمهوری اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۶.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۹.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۴)، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- کریمی مله، علی (۱۳۸۴)، «شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)» فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۸، ش ۳۰.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.



- چپرسن، رونالرال، ونت، الکساندر ونت، پیتز جی کتزشتاین، (۱۳۹۰)، «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی»، فرهنگ امنیت ملی: هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ترجمه محمدهادی سمعی، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹)، تهران: نشر میزان.
- محبوبه بهتاش، (۱۳۸۹)، مرجع امنیت جمهوری اسلامی ایران (براساس دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری)، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد دانشگاه باقر(ع) العلوم.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «رویکرد انتقادی نسبت به ایران... سایر کشورهای جهان»، مهرنامه، س ۲، ش ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، عدل الهی، چاپ پنجم، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، کلیات علوم اسلامی، منطق، فلسفه، تهران: انتشارات صدرا.
- متقی، ابراهیم و زهره، پوستین چی (۱۳۹۰)، الگوها و روندها در سیاست خارجی ایران، قم: دانشگاه مفید.
- مورگنتا، هانس جواکیم (۱۳۸۴)، سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- والتر، کنت (۱۳۹۳)، نظریه سیاست بین‌الملل، ترجمه غلام‌علی چگین‌زاده و داریوش یوسفی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.



منابع لاتین

-Smith, Stere (2006); “ The Concept of security in a globalizing world”, in Patman, Robert G., *Globalization and Conflict*, London and New York: Routledge, PP. 33-55.

-Wright D, *The Problem of Order* . Cambridge Harvard University , 1994.

-Mabee, Brayan (2002); Security studies and The security state: Security Provision in historical Context, *International Relation*, Vol. 17 (2): 135-151.

-Croft, Stuart and Terry Terriff (2000); *Critical Reflections on Security and Change*, London: Frank Cass.

-Bretherton, Charlotte (1996); Security After Cold war: Toward a Global Paddigm? In Charlotte Bretherton and Geoffery Potton (eds) *Global Politics: An Introduction*, Oxford: Blackwell, PP. 126-157.

-Daniel Deudney, The Philadelphia System; Sovereignty, Arms Control, and Balance of Power in the American States-Union, 1787-1861,” *International Organization*. (Spring 1995).

- Lairson, Thomas D. & Skidmore, David (1993) *International Political Economy*, U.S.A: Harcourt Brace Jovanovich College Publishers, PP. 332.